

# آخرین ضربه کاری دولت روحانی به محیط زیست

صفحه ۱۶ را بخوانید

روزنامه خبری-تحلیلی، دانشگاهی صبح ایران  
صدای نخبگان، نگاه جوانان

۱۶ صفحه  
تیران ۲۰۰۰ تومان  
شهرستان ها و واحدهای  
دانشگاهی ۱۵۰۰ تومان

شماره مسلسل ۴۰۵۷  
ساخته شده ۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۰  
۶ شوال ۱۴۴۲  
۱۸ ۲۰۲۱  
شماره ۳۳۱۹

www.Fdn.ir | Tue | 18 May 2021 | vol.13 | No. 3319 | 16 Pages

«فرهیختگان» یادآوری می‌کند:

## ۹ خسارت بزرگ اقتصادی مجلس لاریجانی



عظمی، امیر، خصوصی، ایستاد

چرا تلاش لاریجانی برای مرزبندی با دولت روحانی بی فایده

است؟ گزارش های تحلیلی «فرهیختگان» را بخوانید

# شریک روحانی

«فرهیختگان» از اختتامیه جایزه جوان نوآور ماندگار گزارش می‌دهد

در فرانسه چه خبر است

## جزئیات استعدادیابی سراسری جوانان نوآور

## نامه‌های کودتا؟



در دهه ۹۰ ژانرهای جدید کتاب وارد شده‌اند

**ناداستان‌های  
پرمخاطب**

۱۳، ۱۲

یادداشت - ۲

یادداشت - ۱

### نقش راهبردی روابط عمومی در ماموریت خطیر زندان و زندانبانی

محمود ضار کریمی

مشاور رئیس و مدیر روابط عمومی سازمان زندان‌ها

در همه‌جهت دنیای پرتلاطم امروز که اطلاعات شبکه‌ای حرف اول را می‌زند، این «ارتباطات و علم روابط عمومی» است که نقشی بنیادی مابین بشر و متعلقاتش ایفا می‌کند. اغراق نیست اگر بگوییم جهان امروز و امدار ارتباطات است، همان عصری که می‌تواند پدیده‌رانت اطلاعاتی را باعث شود و سازمانی را چابک و دیگری را رویه‌افول ببرد و این گونه زمینه‌ساز رابطه‌ای معنادار میان قدرت اطلاع‌رسانی حکومت‌ها با جایگاه آنان شود.

#### چستی نقش روابط عمومی در سازوکار اجرایی

نقش ارتباطات و ابزار اجرایی آن یعنی روابط عمومی، در دهکده جهانی امروز به مانند رسانه‌های فراگیر است که سازوکارش مرتبط با هدایت افکار عمومی و دستگاه‌های سازمانی معنای باید؛ به این شکل نیز نقش بی‌لبود تبلیغاتی و پیشانی خبری سازمان یا نهاد متبوع را ایفا می‌کند. فراموش نکنیم این عملکرد روابط عمومی است که موجب شکل‌گیری تفکر مثبت یا منفی مردم نسبت به عملکرد دستگاه مربوطه می‌شود. روابط عمومی به‌مثابه علم مدیریت چرخه اطلاعات است که هر سازمانی برای برقراری ارتباط موثر با گروه‌های هدف شکل می‌دهد و این فراگرد اطلاعاتی و ارتباطاتی را در بی ساخت روابطی تفاهم‌آمیز یا کارکنان، مشتریان، سرمایه‌گذاران، رای‌دهندگان و عموم مردم به‌کار می‌برد. این پل ارتباطی، امروز به‌سبب روابط عمومی دیجیتال و بعد از آن، آنلاین در حرکت است. هرچند متأسفانه هنوز هم در سیستم‌سازمانی کشورمان، نگرش به روابط عمومی صرفاً متوجه بُعد «تبلیغاتی» آن است و کمتر به بازآفرینی مفاهیم ارتباطات تعلق دارد.

#### انواع روابط عمومی در سازمان‌ها

شاید مصطلح‌ترین تقسیم‌بندی از واژه روابط عمومی، تعریف آن در سه شاخه توجیه‌گر، تبیین‌گر و تحلیلگر باشد. بر این مبنا روابط عمومی توجیه‌گر با ایفای نقشی سازمان محور و مدیرمحور، به‌طور مستمر سعی در توجیه دیدگاه مدیران و منافع سازمان خود می‌کند و حتی با تحریف، پنهان‌کاری، دروغ و گمراهی راه‌های نشر اطلاعات واقعی و عینی سازمان به خارج را مسدود می‌سازد. نهایتاً با تبلیغات فریب‌دهنده سعی در بزرگ کردن اهداف برنامه‌های سازمان دارد. روابط عمومی تبیین‌گر در خوش‌بینانه‌ترین شکل خود کارکردی توصیف‌کننده و روانگر خواهد داشت که به‌دنبال رویدادها و وقایع حرکت می‌کند و تنها به شرح و بیان و گزارش آنها می‌پردازد. این نوع روابط عمومی فاقد برنامه استراتژیک و اجرایی است و به‌صورت منفعل، بدون ابتکار و خلاقیت با روزمرگی انجام تکلیف می‌کند. شکل تحلیلگر آن اما سیمای یک روابط عمومی با برنامه رادار دارد که پیشاپیش امور، رویدادها و روندها حرکت کرده و به‌سطح مشاور مدیریت ارتقا می‌یابد. بنابراین در تعیین سیاست‌ها و خط‌مشی‌های سازمان مشارکت می‌کند. این‌جنس از روابط عمومی، تقویت‌درک متقابل با مخاطبان را هدف قرار داده و با استدلال و منطق، ضمن صیانت از منافع سازمان، از منافع مردم، دولت و دیگر نهادها هم پاسداری می‌کند. ادامه در صفحه ۲

## انتخابات و مساله کثرت طالبان قدرت

جان میجر پیدا می‌شوند که تا دیلیم به‌سختی پیش رفته بودند. درحقیقت، از نظر فایر ایند عرضه سیاست به‌عنوان تخصص یکی از مغالطات یا فریب‌هایی است که برای فروش تصمیمات سیاسی در پوشش تخصص و محورسازی عموم از مذاخه در سیاست انجام می‌گیرد. با اینکه در ایران قطعاً سیاست به‌چنین سطحی از مباحث نرسیده اما خطای مشابهی در آن کاملاً مسلط و شایع است. در واقع، اکثریت نامزدها صرفاً به اعتبار تخصص در یک زمینه دانشگاهی خصوصاً در حوزه‌های انسانی دچار توهم این شده‌اند که شایسته پست‌های سیاسی هستند، درحالی که اگر به‌صرف همین خصیصه باشد آنها بدترین نامزدها در این زمینه هستند. سیاست به‌مثابه فعالیت در میدان سیاسی حوزه‌ای عملی است که ماهیتاً ربطی به سیاست به‌عنوان علم یا علم سیاست ندارد که به‌حوزه نظر تعلق دارد. سیاست‌ورزی نتیجه عقل عملی است که سازنده قلمرویی است که دانش سیاسی به کمک عقل نظری و وظیفه شناخت آن را برعهده دارد. سیاست‌ورزی نوعی فن یا هنر است که در ریشه ماهیتی ذاتی و اکتسابی دارد که از طریق درس و آموزش سیاست با هر دانش دیگری در دانشگاه و مدرسه به‌دست نمی‌آید.

این مهم است که نسبت سیاست با کارشناسی و دانش تخصصی از امور مختلف جامعه و کشور مثل اقتصاد یا صنعت و کشاورزی نیز روشن شود چون بسیاری از نامزدها صرفاً به اعتبار چنین آگاهی‌هایی خود را شایسته ورود به عرصه مسئولیت‌های سیاسی فرض کرده و می‌کنند. بی‌شک کثرت نامزدها را حکمرانی بدون این‌گونه دانش‌ها و اطلاعات ممکن نیست اما این‌گونه اطلاعات تنها هنگامی که تصمیمات و اقدامات سیاسی لازم‌مشخص‌شد، و آگاهی‌ها نیز ربط ذاتی به سیاست ندارند. در واقع کارشناسی یا نیاز به این‌گونه اطلاعات تخصصی در مرتبه متاخر از سیاست و عمل یا تصمیم سیاسی موضوعیت می‌یابد. سیاست‌ورزی در مرتبه خود متقدم بر تصمیمات کارشناسانه قرار دارد. سیاست به مرحله‌ای از اقدام سیاسی، خواه تصمیم سیاسی یا عمل سیاسی، مربوط می‌شود که در آن مصالح یا منافع اولویت‌ها یا تقدم و تاخر کارها و امور مشخص شده بر اساس ارزش‌ها یا معیارهای هنجاری درستی یا نادرستی و ضرورت یا عدم ضرورت آن تعیین می‌شود. تنها هنگامی که تصمیمات و اقدامات سیاسی لازم‌مشخص‌شد، نوبت به کار کارشناسانه می‌رسد. قطعاً یک سیاستمدار نمی‌تواند از اطلاعات کارشناسانه مربوط به حوزه خود خالی و تهی دست باشد؛ اما نه نیازی وجود دارد که یک سیاستمدار واجد اطلاعات تخصصی مربوط به تصمیمات و اقدامات سیاسی باشد و نه اینکه در فقدان آن خللی در عملکرد سیاسی او به وجود می‌آید. درحقیقت، بر حسب قاعده بعد از اتخاذ تصمیمات سیاسی نوبت کارشناسان است که الزامات یا نیازهای اجرایی عمل سیاسی را مشخص کرده و به آن پاسخ دهند.

همان طوری که فایر ایند گفته‌شد، مغالطه شایعی وجود دارد که بر اساس آن کارشناسی به‌جای عمل سیاسی نشانده می‌شود. با اینکه مباحث مربوط به این مغالطه بخشی از تاریخ سیاست قرن میلادی گذشته بوده و با مناقشات مربوط به نظریه پایان

گیرد؛ حکم به جنگ بشود چون کشور دارای قدرت برتر نظامی است یا تصمیم به صلح با دشمن گرفته‌شود چون وضعیت توان نظامی دشمن در موقعیت برتر است؛ اما در تمامی این موارد تصمیمات مذکور به تعیین مسیر براساس وضعیت قدرت نظامی خود تصمیمی سیاسی است، نه اینکه معادلات قدرت و توان نظامی تصمیم به جنگ یا صلح را موجب شده باشد. به بیان دیگر، درحقیقت از میان امکان‌های مختلف این انتخاب شده است که در صورتی وارد در جنگ بشویم که امکان پیروزی وجود داشته باشد. همان طوری که در مواردی ولوبه قیمت تلفات بسیار مادی و جانی جنگ انتخاب می‌شود، در مواردی پذیرش صلح متضمن از دست رفتن استقلال یا ذلت‌پذیری نیست و پرهیز از تلفات یا آسیب به اقتصاد کشور و نظایر آن انتخاب سیاسی کشور بوده است چون مردم با رهبران سیاسی کشور حاضر به قبول این خسارات نبوده‌اند؛ در نتیجه با توجه به اینکه ارزیابی کارشناسان نظامی از قدرت طرفین آسیب‌ها و تلفات را با ابالو قطعی تشخیص داده‌اند، اجتناب از جنگ برای پرهیز از آسیب انتخاب شده است؛ در صورتی که اگر انتخاب سیاسی جنگ بود آسیب‌ها و تلفات نیز پذیرفته می‌شد و عدم توازن قدرت صلح یا سازش را الزام‌آور نمی‌ساخت.

با وجود این، تشخیص مغالطه تخصص و سیاست همیشه به‌سادگی ممکن نیست. آنکه در بیانی‌های انتخاباتی خود می‌گوید حل مشکلات اقتصادی کشور نیازمند علم و تخصص است و با داغ و درفش نمی‌شود و با این اظهارات می‌خواهد نامزدهای دارای سابقه نظامی را از دور خارج کند درحقیقت از این مغالطه استفاده می‌کند زیرا فردی با سابقه نظامی به‌دنبال آن نیست که این سابقه نظامی را برای حل مشکلات کشور به‌کار گیرد کم‌اینکه تخصص‌های مدعی بر فرض وجود مبنای تعیین تصمیمات سیاسی برای حل مشکلات کشور نیست. آنجایی که نامزدمی‌گوید «تحقق پیشرفت اقتصادی شتابان و مردمی، به هم‌بستگی ملی در داخل، و تعامل هوشمندانه با غرب، همکاری سازنده و پویا با شرق و هماهنگی برادرانه با همسایگان نیاز دارد و این امر احتیاج به علم و دانش و تجربه دارد،» عیناً درحال انجام مغالطه‌ای مشابه است. این سخنان با هدف ایجاد این توهم است که گویی راه‌حل‌های پیشنهادی وی برای ارتباط با غرب و ادغام در نظام جهانی سلطه اقتصادی از گزاره‌های علمی و از احکام تخصصی است درحالی که صرف‌نظر از اینکه گوینده این سخنان تخصصی در اقتصاد ندارد، ارتباط با غرب یا شرق نیز از تصمیمات سیاسی است که ارتباطی با علم اقتصاد ندارد. اینکه یک ملت پیشرفت اقتصادی یا فرهنگی را هدف بگیرد از تصمیمات سیاسی است که از درون هیچ علم و تخصصی استنتاج نمی‌شود کم‌اینکه راه‌حل‌های پیشرفت اقتصادی یا فرهنگی نیز تنوعی دارد که انتخاب میان آنها و از جمله نگرش به غرب و ادغام در نظام جهانی اقتصاد به‌عنوان راه‌حل غرب‌گرایانه تصمیمی سیاسی و ایدئولوژیکی است و نتیجه هیچ دانش و علمی از جمله علم اقتصاد نیست.